

تل آویو در هراس از بحران موجودیت



رژیم صهیونیستی در گزارش راهبردی سال جاری میلادی خود اذعان کرد که برخلاف دوره توسعه طلبی و تجاوزگری این رژیم علیه کشورهای منطقه، اکنون در نگرانی از موجودیت و هراس از توان بالای قدرتهای مقاومت در منطقه به سر می‌برد.

رژیم صهیونیستی در گزارش راهبردی سال جاری میلادی خود اذعان کرد که برخلاف دوره توسعه طلبی و تجاوزگری این رژیم علیه کشورهای منطقه، اکنون در نگرانی از موجودیت و هراس از توان بالای قدرتهای مقاومت در منطقه به سر می‌برد.

به گزارش فارس، "عاموس هارئیل" گزارشگر نظامی روزنامه "هاآرتص" محتوای گزارش سالانه راهبردی جدید که مرکز پژوهش‌های امنیت ملی در دانشگاه تل آویو در حال تهیه آن است، فاش کرد. وی خلاصه گزارش "ارزیابی راهبردی اسرائیل در سال 2010" را که بزودی منتشر می‌شود چنین خلاصه می‌کند: خطراتی که اسرائیل را احاطه کرده است افزایش پیدا می‌کند.

در مقدمه گزارش نسبت به توان دولت اوپاما برای اجرای مذاکرات مستقیم ابراز تردید شده است. هارئیل بیان می‌کند که این تغییر تاکتیکی ضرورتاً دلیلی برای تغییر راهبردی نیست بلکه کارشناسان مرکز پژوهش‌های امنیت ملی معتقدند که شکاف بین مواضع دو طرف همچنان زیاد است همچنان که میزان پایبندی رهبران اسرائیلی و فلسطینی [تشکیلات خودگردان فلسطین] به تحقق صلح در وضعیت مبهم قرار دارد.

"عودید عیران" رئیس این مرکز تأکید کرد که مشاهده توانایی اسرائیلی‌ها و فلسطینیان در پر کردن شکاف موجود بین آنها در مسائل راه حل نهایی اعم از قدس، مرزها و آوارگان، برای وی غیرممکن است. از دیدگاه او اگر طرفین نتوانند به یک سازش توافقی دست یابند و اعلام نکنند که در آینده برای تشکیل دو دولت تلاش می‌کنند در آن صورت وضعیت نابسامان‌تر خواهد شد. برخی‌ها می‌گویند که "بنیامین نتانیاو" نخست‌وزیر اسرائیل در موضع خود در رابطه با سازش با فلسطینیان جسارت به خرج داده است اما من مطمئن نیستم که این جسارت نتانیاو به معنی آن است که او آماده است آنچه پیش از وی اولمرت ارائه کرده است، اعطا کند. من شک دارم. هیچ نخست‌وزیر اسرائیلی به نقطه‌ای که اولمرت رسید، نرسیده است. نتیجه مهم‌تر از دیدار توافقی طرفین بر سر این موضوع است که در صورت عدم دستیابی به توافق مذاکرات را رها نکنند همچنانکه در "کمپ دیوید" رخ داد- بلکه تماس‌ها ادامه داشته باشد.

سرهنگ "شلومو بروم" از تهیه‌کنندگان این گزارش تأکید می‌کند: مذاکرات با فلسطینیان موضوع ساده‌ای نیست، هرچند که تو تمایل به دستیابی به توافق داشته باشی. در کمپ دیوید "ایهود باراک" [وزیر جنگ فعلی رژیم صهیونیستی] در پی دستیابی به توافق بود اما دست نیافت.

"عنات کورتس" دیگر نویسنده این گزارش با اظهارات نتانیاو در مورد صلح حتی سخنرانی وی در دانشگاه "بار ایلان" قانع نشده است. وی تأکید می‌کند که انتظار دارد نخست‌وزیر همراه با سخنان خود، یک اقدام عملی نیز ارائه کند. با بررسی احتمالات سازش مشخص می‌شود که ضعف داخلی در دو طرف واقعا نگران کننده است.

در مقدمه گزارش آمده است که در سال گذشته فرصتی برای مقابله بهتر با چالش‌های محیط راهبردی اسرائیل پیش نیامد و گذشته از آن عوامل تهدیدکننده افزایش یافته است. روند سیاسی بین اسرائیل و تشکیلات خودگردان به بن بست رسیده است... محاصره غزه امیدها برای تضعیف حماس با هدف تسهیل اداره مذاکرات با اسرائیل برای تشکیلات خودگردان را محقق نکرد بلکه تبدیل به عامل انتقاد بین‌المللی علیه اسرائیل شده و یک فضای محاصره دیپلماتیک برای آن ایجاد کرده است.

در این گزارش آمده است که حزب‌الله به تجهیز سلاح و قدرت گرفتن در عرصه سیاسی لبنان ادامه می‌دهد. این گزارش بیان می‌کند که بدنبال رکود حاصله در روند سیاسی بین اسرائیل و سوریه و افزایش قدرت حزب‌الله به نظر می‌رسد که در شمال اسرائیل جبهه‌های شکل گرفته است که تهدیدات آن بسیار بیشتر از سال‌های گذشته است.

این گزارش در ادامه به ایران می‌پردازد و با طرح ادعای واهی تلاش ایران برای دستیابی به توان هسته‌ای نظامی می‌گوید: اما ایران؛ این کشور نیز در مرحله اوج عملیات شکل‌گیری طرح هسته‌ای نظامی و تثبیت خود به عنوان نوک پیکان اردوگاه منطقه‌ای ضد اسرائیلی بسر می‌برد. ترکیه نیز تا حدودی به این اردوگاه پیوسته است... در ماورای این تهدیدات نیز روند پر سرعت سلب مشروعیت اسرائیل سایه افکننده است.

در این گزارش با نوعی شک و تردید به نتایج جنگ اسرائیل علیه نوار غزه نگاه شده و آمده است: درست است که اسرائیل در سال‌های اخیر با ارائه پیام نظامی بازدارنده، قدرت خود را ثابت کرد اما این دست‌آورد بهای سیاسی سنگینی داشت زیرا انتظار می‌رود که انتقادهای بین‌المللی از شدت پاسخگویی، اسرائیل را از اقدامات قاطع برای تجدید بازدارندگی باز دارد.

نویسندگان این گزارش این سند را تحت عنوان "ابراهایی که در افق تیره می‌شوند" در یک مقاله جمع‌بندی کرده‌اند و سخن در آن حول محور چشم‌انداز مذاکرات تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی از یکسو و چشم‌انداز برنامه هسته‌ای ایران، از سوی دیگر می‌چرخد.

"عودید عیران" مدیر این مرکز نیز می‌گوید که روند سازش حتی اگر به راه‌حل نیز منتهی نشود اما بیانگر چشم‌انداز سیاسی است و این برای برقراری ائتلاف غیررسمی میان‌رو در منطقه حیاتی است بویژه اینکه عقب‌نشینی آمریکا از عراق این فرصت را برای آن فراهم می‌آورد و به این ترتیب آسیبی که آمریکا در صورت عقب‌نشینی نیروها متحمل می‌شود، کاهش می‌یابد و این یک مسئله اساسی است و عاقلانه نیست که اسرائیل بدون چراغ زرد و یا حتی سبز آمریکا دست به اقدامی علیه ایران بزند. رئیس این مرکز فاش می‌کند که پیش از دیدار نخست بین "بارک اوباما" رئیس‌جمهور آمریکا و نتانیاهو در کاخ سفید در ماه می سال 2009، ما سندی را به نتانیاهو ارائه کرده و در آن پیشنهاد کردیم که این دو مسئله را به یکدیگر ربط دهد. "به اوباما قول بده که نهایت تلاش را برای حل مشکل با فلسطینیان و سوریه انجام دهی و اگر خطر ایران و نمایندگانی که استفاده می‌کند، رفع شد در آن صورت اسرائیل می‌تواند اقدامات بعدی را انجام دهد."

در مقابل "شلومو بروم" معتقد است که "به ذهن من خطور نمی‌کند که اوباما رسماً به نتانیاهو قول بدهد که در صورت شکست تحریم‌ها، به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کند. اما فضاهای بهتر در سطح سوریه به آمریکا کمک می‌کند تا تصمیمات موثرتری علیه ایران اتخاذ کند. بر اساس افکار عمومی جهان عرب منازعه اسرائیلی-فلسطینی فشار سنگینی بر توان طرف‌ها برای اتخاذ تصمیمات مطلوب در رابطه با ایران وارد می‌آورد و اگر این فشارها کاهش یابد، دامنه عمل گسترده‌تر می‌شود.

دکتر "امیلی لاندو" نیز معتقد است که تمام بحث‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران بر اساس این فرضیه است که راه‌حلی وجود دارد اما محقق نشده است، من نگران ناتوانی جامعه بین‌الملل هستم. استفاده از قدرت نظامی راه‌حل مشکل نیست همچنان که تاثیر تحریم‌ها علیه ایران نیز با میزان تمرکز طرفین بر مذاکرات جدی و قاطع قیاس می‌شود. گزینه نظامی شبیه به اعتراف به شکست است. در بهترین شرایط می‌تواند اجرای طرح ایرانی را به تعویق بیندازد. دولت اوباما کمتر از آن چیزی که لازم است به گزینه دیپلماسی سرگرم است و مذاکرات تند با ایران اجرا نکرده است. به عقیده من دولت اوباما آن گونه که به نظر می‌رسید در برابر تبدیل ایران به یک دولت در آستانه آنچه آن را دستیابی به سلاح هسته‌ای خواند و یا دولتی که تنها چند ماه به دستیابی به سلاح هسته‌ای فاصله دارد، تسلیم شده است.

از دیدگاه بروم مشکل در هماهنگی بین زمان‌های مختلف در خصوص مسئله ایران است زیرا زمان تحریم‌ها طبیعتاً گند پیش می‌رود. در جنوب آفریقا ده‌ها سال طول کشید تا تحریم‌ها به فروپاشی حکومت تبعیض‌نژادی منجر شد. در رابطه با ایران نیز تحریم‌های بسیار جدی دیر وقت و در زمانی آغاز شد که طرح هسته‌ای ایران وارد مرحله پیشرفته شده بود.

تقریباً در هر سال پژوهشگران مرکز مطالعات امنیت ملی در مورد سال سرنوشت‌ساز و یا "دو سال سرنوشت‌ساز" سخن به میان می‌آورند. بنا به گفته دکتر عیران دو سال آینده در رابطه با موضوع ایران، روند سازش و تغییر رهبران منطقه‌ای بنا به دلایل سنی بسیار دشوار است و وضعیت کلی نیز مسرت‌بخش نیست.

اما کام می‌گوید که جایگاه راهبردی آمریکا در منطقه وارد مرحله آزمون شده است. چند تحول موازی وجود دارد: روند سازش، خروج آمریکا از عراق، افزایش دخالت نظامی آمریکا در افغانستان و در مقابل افزایش نفوذ ایران و پیشرفت طرح هسته‌ای. از سوی دیگر نیز اسرائیل با چندین بمب زمان‌دار در شمال (حزبالله) و در جنوب (حماس) مواجه است. بهتر است توجه داشت که شکست در مذاکرات سیاسی ممکن است انفجار را تسریع بخشد.

دکتر کورتس از این می‌ترسد که ضعف آمریکا و نیاز آن به توانایی برای نشان دادن دستاوردهای روشن، خواسته آمریکا برای پیشبرد روند اسرائیلی با هدف تلاش برای ایجاد روزنه‌ای در بن بست منطقه‌ای را بیشتر می‌کند. در مقابل اگر فرصتی برای تحقق توافق اسرائیلی-فلسطینی فراهم شود احتمال دارد موجی از عملیات و اقدامات تحریک‌آمیز از جانب حماس برای ممانعت از [تحقق توافق] صورت گیرد.

شلومو بروم نیز بر ادامه بدبینی اما از دریچه عکس تاکید دارد: "خطر اصلی در وضعیت کنونی همانا توهم در ثبات ناشی از موفقیت‌های نسبی از زاویه راهبردی است که دو نبرد اخیر در لبنان و غزه محقق ساخت و به تجدید بازدارندگی اسرائیل منجر شد. این امر تا یک روزی صلاحیت دارد و بعد از بین می‌رود. ثبات تنها بر پایه بازدارندگی نیست. دوره زمانی که بدون بهره‌برداری برای حل مشکلات ریشه‌ای سپری می‌شود و فرضیه بر این است که قدرت‌های منطقه‌ای و سیاست‌بازیرگان همچنان به همین منوال باقی خواهد ماند، ممکن است متزلزل شود.

نوعی تناقض داخلی در این گمان وجود دارد که اسرائیل به روند سیاسی برای رفع حلقه اطراف خود نیاز دارد و در همان زمان ارزیابی این است که فرصت موفقیت آن بسیار پایین است. عودید عیران بار دیگر بر اهمیت وجود عملیات جدی برای ایجاد افق سیاسی تاکید می‌کند. توافقنامه‌های اسلو دلیل خوبی برای آن بود، [این توافقنامه‌ها] مشکلات اساسی را حل نکرد اما آمادگی بین‌المللی برای نگاه مغایر به خاورمیانه و جهش در روابط اسرائیل با اتحادیه اروپا و نیز با ناتو، ترکیه و بسیاری از کشورهای همجوار بوجود آورد.

بروم تاکید می‌کند که موضوع تمام شده است. امتیازات راهبردی در خصوص توافق صلح با سوریه کاملاً روشن است. در عین حال ورود به این روند تنها نیازمند تصمیمی است که باید ما اتخاذ کنیم. شروط معامله شناخته شده است و کشمکش باقی مانده با سوریه در حاشیه قرار دارد. این اسرائیل است که باید تصمیم بگیرد که این معامله شایسته امضاست. موضوع مهمی که باید اضافه کنم این است که درخواست اسرائیل از سوریه برای قطع روابط با ایران و حزب‌الله واقعی نیست. اگر توافق با سوریه محقق شود طرف برنده اسرائیلی توانایی آنرا خواهد داشت تا نوع روابط سوریه با حزب‌الله را تغییر دهد و در آن نفوذ داشته باشد نه اینکه روابط خود را با حزب‌الله قطع کند.